

## محمود بکرانی (بهری/کرمانی) شاعر سده هفتم هجری

### بهرز ایمانی

پژوهشگر متون ادبی کهن  
imani\_book@yahoo.com

در مجموعه شماره ۵۵۵ انستیتوی دستنویس‌های تاجیکستان (دوشنبه) که در سال‌های ۸۰۵-۸۰۷ ق کتابت شده، اشعاری از دو سراینده، یکی با تخلص «محمود» و دیگری با نام و نسب «مولانا رکن الدین حسن رفیع‌الدین محمود ابهری» ثبت شده است. این اشعار را محمد بن عبدالواحد هروی در ۸۰۵ ق رقم زده است (گ ۱۴۰ ر). اشعار «محمود» در برگ‌های ۴۶ پ تا ۷۰ ر، و سروده‌های «رکن الدین حسن» در ادامه اشعار محمود، در برگ‌های ۷۰ ر - ۱۴۰ ر ثبت شده است. این دو سراینده، از خاندان بکرانی‌اند، و از شعرا و علمای سده هفتم هجری. پدر و پسر هستند، و پسر (رکن الدین حسن) نسبت به پدر (محمود) شناخته شده‌تر است، و از وی - که به سال ۷۴۷ ق در سلطانیه در گذشته<sup>۲</sup> - در آبخورهای ادبی و تاریخی، یاد شده و سروده‌هایی از او در سفینه‌ها، تذکره‌ها و... آمده است.<sup>۳</sup> اما از «محمود» کمتر یاد شده، چنان‌که دانشور گرامی، آقای سیدعلی میرافضلی، او را «شاعری ناشناخته از قرن هفتم هجری» دانسته است.<sup>۴</sup> محمود در چند تا از سروده‌های خود، به نام و نسب و تخلصش اشاره کرده است. در مقطع غزلی آورده است:

صبر کن «محمود» کز نیرنگ چرخ  
در جهان، هر روز، رنگی دیگر است

(گ ۶۳ پ)

در شعری گفته است:

ایمه تاکی شنود از تو ملامت «محمود»  
مرد در اختر بدمی نگذارد، چه کند؟

(گ ۶۹ ر)

و در قطعه‌ای، خود را این چنین معرفی کرده است:

«محمود بن محمد بکرانی» ام که چرخ  
پُر کرد از جواهر تحقیق دامنم  
در باغ فضل نیست چو من بارور نهال  
ای دست حادثات فلک، خیره مشکنم

(گ ۶۴ پ)

این «محمود بن محمد بکرانی» کیست؟

او در سروده‌های خود، بزرگان کرمان را ستوده است:

۱. عصمت‌الدین ترکان خاتون (حک: ۶۵۵-۶۸۱ ق). بیشترین

مدایح محمود، متوجه این بانوی پادشاه است.

۲. علاءالدوله رکن‌الدین، ظاهراً سلطان رکن‌الدین

ابوالمظفر از پادشاهان قراختائی (حک: ۶۳۲-۶۴۸ ق).

۳. شمس‌الدین محمدشاه، ملقب به فخرالملک، وزیر

قطب‌الدین محمد ابوالفتح قراختائی (در گذشته ۶۶۲ ق).

محمود، علاوه بر قصایدی که در ستایش این «وزیر کافی»  
سروده، در سوگ او نیز مرثیه‌ای پرداخته است.

۴. بهاء‌الدین وزیر:

بهاء دولت و دین، سرور زمان و زمن  
که از صدور زمان هست چون ز اعضا دل

(گ ۵۷ ر)

محمود جمال‌الدین علی را هم هجو گفته است، و او در «ملک  
منکوخان» مصدر کارهای دولتی بوده است:

کیستی ای قلبتان! تا از جفاکاری و جور  
ملک منکوخان اعظم، پُر ز شور و شر کنی

(برگ ۶۱ پ)

۱. درباره این مجموعه، نک: سفینه و بیاض و جنگ، ص ۱۰۷-۱۳۰.  
۲. نک: انیس‌الخلوة، ص سی و نه - چهل و سه (مقدمه محمد افشین وفایی و ارحام مرادی).  
۳. شاعران قدیم کرمان، ص ۲۹.  
۴. مجمل فصیحی، ج ۲، ص ۹۳۶.



تنها نام این شخصیت‌ها در دیوان محمود دیده می‌شود، اما چون ایرج افشار، متوجه اشعار پسر محمود، یعنی رکن‌الدین حسن، در ادامه اشعار محمود نشده، لذا سروده‌های پدر و پسر را در هم آمیخته، و ممدوحان پسر را نیز از ستودگان پدر دانسته، و افرادی چون سعدالدین ساوجی (م: ۷۱۱ق)، رشیدالدین فضل‌الله همدانی (م: ۷۱۶ق)، قطب‌الدین شیرازی (م: ۷۱۰ق) و... را هم از ممدوحان پدر انگاشته،<sup>۱</sup> که درست نیست. میرافضلی هم، به تبع افشار، دچار این اشتباه شده است.<sup>۲</sup>

با توجه به ممدوحان محمود، معلوم می‌شود که او در کرمان به سر می‌برده، و بزرگان این شهر را می‌ستوده، که معروف‌ترین آن‌ها ترکان خاتون است.

در تذکره‌ها، از شاعری با تخلص «محمود» که در اواخر سده هفتم هجری در کرمان می‌زیسته است، نام و نشانی نیست. امین‌احمد رازی، در شمار سرایندهگان ابهر، از شاعری به نام «رفیع‌الدین ابهری» یاد کرده، و اشعاری از او آورده<sup>۳</sup> که در دیوان محمود بن محمد بکرانی (کتابت شده در مجموعه شماره ۵۵۵ دوشنبه) هم موجود است. آیا این «رفیع‌الدین» لقب «محمود بن محمد بکرانی» است؟ اگر چنین است، پس این رفیع‌الدین ابهری یا کرمانی که در تذکره‌ها معرفی شده، همان محمود بکرانی است. او به لقب، شناخته شده بوده، و نه نام و تخلص، و به همین دلیل، از او با عنوان «محمود بکرانی» یا «محمود ابهری» یا «محمود کرمانی» یاد نشده است.

در مجموعه شماره ۱۷۷۴ حمیدیه که در فاصله سال‌های ۷۵۰ تا ۸۱۱ق کتابت شده،<sup>۴</sup> از سراینده‌ای به نام «رفیع‌الدین محمود ابهری» دو قصیده در ستایش قطب‌الدین شیرازی، و یک رباعی رقم خورده (گ ۲۲۷ تا ۲۲۸) که این در دیوان رکن‌الدین حسن پسر محمود بکرانی موجود است، و فراهم آورنده مجموعه، در انتساب اشعار، اشتباه کرده، یعنی سروده‌های پسر را به نام پدر آورده است، اما نام پدر را به صورت «رفیع‌الدین محمود ابهری» آورده، و این نکته نیز خود تأییدی است بر این که محمود بکرانی به لقب «رفیع‌الدین» شناخته می‌شده است.

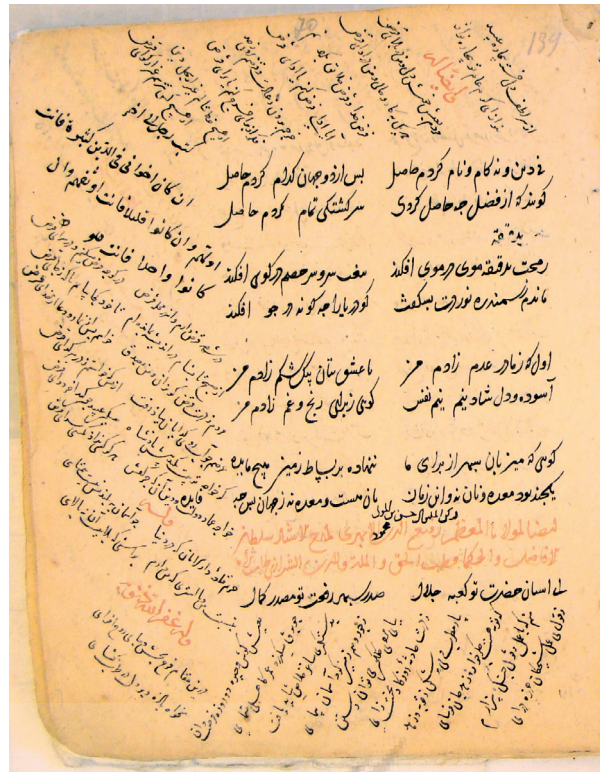
در آغاز دیوان رکن‌الدین بکرانی (مجموعه ۵۵۵ دوشنبه، گ ۷۰) نیز از او با عنوان «مولی رکن‌الدین حسن بن محمود رفیع‌الدین ابهری» یاد شده، و این تذکر هم، دلیلی دیگر بر شناخته بودن «محمود بکرانی» به لقب رفیع‌الدین ابهری، کرمانی، یا بکرانی است.

چنانکه گفتیم، در تذکره‌ها و دیگر آبخورهای ادبی و تاریخی از رفیع‌الدین بکرانی، ابهری یا کرمانی، نشانی می‌یابیم، که حمدالله مستوفی، از او نام برده و نوشته است که: «از ابهر بود، اما در کرمان نشست».<sup>۵</sup> بنا به نوشته امین‌احمد رازی، «در سلک اعظم علما انتظام داشته و همواره نقش تألیف و افاده بر صحایف روزگار می‌نگاشته» و مصنف دو اثر نیز با عنوان‌های متن اقلیدس و رساله حساب بوده است.<sup>۶</sup>

ناصرالدین منشی، که بنا به تحقیق عباس اقبال، سمط‌العلی را در فاصله سال‌های ۷۱۵ تا ۷۱۶ق نوشته، در این کتاب، از «رفیع‌الدین ابهری بکرانی» در شمار «کبرای علما، و علمای فضلا، و هنروران نامور، و دانشوران فضیلت‌گستر» یاد کرده که در «کرمان، مجتمع بودند». رفیع‌الدین، «پیشاهنگ قوافل آستان علوم و آداب» بوده، و حجاج سلطان (در گذشته ۶۹۰ق) او را

۶. تاریخ گزیده، ص ۷۳۱.  
۷. هفت اقلیم، ج ۲، ص ۱۳۵۲.

۱. نک: سفینه و بیاض و جنگ، ص ۱۱۳-۱۲۰.  
۲. شاعران قدیم کرمان، ص ۲۹-۳۲.  
۳. هفت اقلیم، ج ۲، ص ۱۳۵۲-۱۳۵۳.  
۴. نک: فرهنگ سخنوران، ج ۱، ص ۳۹۰.  
۵. درباره این مجموعه، نک: فهرست میکروفیلم‌ها، ج ۱، ص ۴۲۲-۴۳۳.



۲. مونس الاحرار کلاتی، دستنویس شماره ۹۸۱ A/nm. کتابخانه و موزه سالار جنگ (گ ۳۲۲-ر ۳۲۳ پ). در این سفینه، قصیده‌های از محمود با عنوان «این قصیده، محمود کرمانی راست در مدح نظام‌الدین عمر کبریتی» رقم خورده و در دیوانچه او (مجموعه ۵۵۵ دوشنبه) موجود نیست. این قصیده را پژوهشگر گرامی، آقای میرافضلی، بازخوانده است.<sup>۵</sup>

### منابع

انیس الخلوۃ و جلیس السلوة: مسافر بن ناصر الملطوی، به کوشش محمدافشین وفائی و ارحام مرادی. تهران: کتابخانه مجلس، ۱۳۹۰ (چاپ عکسی).

تاریخ گزیده: حمدالله مستوفی، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

جنگ اسکندر میرزا: دستنویس شماره Add.27261 کتابخانه بریتانیا.

سفینه و بیاض و جنگ (مجموعه مقالات): ایرج افشار، به کوشش میلاد عظیمی، تهران: سخن، ۱۳۸۹.

سمط العلی للحضرة العلیا: ناصرالدین مثنوی کرمانی، تصحیح عباس اقبال، زیر نظر محمد قزوینی، تهران: اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

شاعران قدیم کرمان: سیدعلی میرافضلی، تهران: نشر کازرونیه، ۱۳۸۶.

طبقات الشافعیة: عبدالرحیم الاسنوی (جمال‌الدین)، تحقیق کمال یوسف الحوت، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.

عرفات العاشقین و عرصات العارفين: تقی‌الدین اوحدی، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخراحمده، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۹.

فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۱): محمد تقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

مجمعل فصیحی: فصیح‌خوافی، تصحیح سیدمحسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۶.

مونس الاحرار: کلاتی، دستنویس شماره A/nm.981 کتابخانه و موزه سالار جنگ.

نسخه‌های خطی (دفتر نهم): زیر نظر محمد تقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.

هفت اقلیم، امین احمد رازی، تصحیح محمدرضا طاهری، تهران: سروش، ۱۳۷۸.

۵. شاعران قدیم کرمان، ص ۲۷۹-۲۸۴.

به «شرف امتیاز و رقم اختصاص» ارزانی داشت. و «اشعار عذب و نظم و نثر دلاویزش» در آفاق گیتی و در زلفان هنروران می‌گشته است.<sup>۱</sup>

رفیع‌الدین بهری، شافعی مذهبی بوده، و اسنوی از او و پسرش رکن‌الدین بکرانی، نام‌برده است.<sup>۲</sup> فصیح‌خوافی، وفات «مولانا رفیع‌الدین بهری» را در ۶۷۲ ق گزارش کرده است.<sup>۳</sup> علاوه بر دیوانچه‌ای که از محمود کرمانی در دست است، در چندی از سفینه‌ها و جنگ‌ها نیز اشعاری از وی، ضبط و ثبت شده، از جمله:

۱. جنگ اسکندر میرزا، دستنویس شماره ۲۷۲۶۱ کتابخانه بریتانیا (گ ۲۳۵ پ- ۲۳۶ رو): در این جنگ، غزلی از محمود با عنوان «مولانا محمود کرمانی فرماید» ثبت شده.<sup>۴</sup> تخلص «محمود» نیز در مقطع غزل، دیده می‌شود:

غلام و حلقه به گوش تو شد به جان «محمود»  
چنانک جز تو ندارد دگر خداوندی

۱. سمط‌العلی، ص ۴۴-۴۵.

۲. طبقات الشافعیة، ج ۱، ص ۱۴۰.

۳. مجمعل فصیحی، ج ۲، ص ۸۲۹.

۴. سپاسگزارم از دوست دانشور امید سروری که مرا از وجود این غزل، آگاه کرد.